

مغولان در هند

بررسی کتابشناختی دست‌نویس‌ها

تألیف

دارا نوسروانجی مارشال

ترجمه

حسین برزگر کشتلی

تهران، ۱۳۸۹ ه‍.ش



سرشناسه: مارشال، دی. ان، ۱۹۰۶ - م.

Marshall, D. N

عنوان و نام پدیدآور: مقولان در هند: بررسی کتابشناختی دست‌نویس‌ها/تألیف مارشال، دی. ان؛ ترجمه حسین برزگر کشتلی. مشخصات نشر: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۸۲۷ ص.

شابک: 978-600-220-012-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Mughals in India : A Bibliographical Survey of Manuscripts, c1985.

موضوع: مقولان -- هند -- تاریخ -- اسناد و مدارک -- کتابشناسی

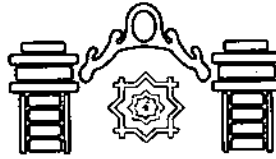
شناسه افزوده: برزگر کشتلی، حسین، ۱۳۲۷ -، مترجم

شناسه افزوده: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

رده‌بندی کنگره: Z۳۲۰۸/آ۳۵م۲ ۱۳۹۰

رده‌بندی دیویی: ۰۱۶/۹۵۴۰۲۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۷۱۶۱۷



کتابخانه پژوهش
مجلس شورای اسلامی

مغولان در هند
بررسی کتابشناختی دست‌نویس‌ها

تألیف: دارا نوسروانچی مارشال
ترجمه: حسین برزگر کشتلی
ویرایش و صفحه‌آرایی: احمد رضا رحیمی ریشه
نمایه‌سازی: سید محمد حسین مرعشی

حروفچینی و نمونه‌خوانی: فاطمه بوجار، عیسی عباسی
قلم‌های استفاده شده: بدر نازنین ۷۴ مینرا Times
کاغذ مورد استفاده: ۷۰ گرمی تحریر خارجی

شماره انتشار: ۲۵۱

ناظر چاپ: لیلی ایوبی زاده

چاپخانه: فرشیو

لیتوگرافی: نفرو آبی

صفافی: سیاره

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۱۴۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-220-012-9

انتشارات و توزیع:

مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
خیابان انقلاب، مابین خیابان ابوریحان و دانشگاه، ساختمان فروردین
طبقه ۷، واحد ۲۷ و ۲۸؛ تلفن: ۶۶۹۶۴۱۲۰ - ۲۱

نشانی سایت اینترنتی: WWW.lcal.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajoooheshlib@yahoo.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

اگر کسی مدعی شود که نیمی از آثار مخطوط فارسی بر جای مانده در شبه قاره نوشته شده و نگه‌داری می‌شود، هرگز سخن به گزاف نگفته است. این در حالی است که هنوز که هنوز است، فهرست بسیاری از این آثار نوشته نشده است و بسیاری دیگر در اختیار خانواده‌ها و خاندان‌هایی است که کسی از سرنوشت آثار مخطوط در اختیار آنان آگاهی ندارد.

اهمیت زبان فارسی طی هشت قرن در هند، در حد یک زبان بین‌المللی میان اقوام مختلفی که در این بلاد زندگی می‌کردند، سبب شد تا هر فرهیخته‌ای که قصد نگارش اثری علمی دارد، از این زبان استفاده کرده و دانش خویش را در این قالب معرفی کند. به همین دلیل است که هزاران کتاب طی این قرون به زبان فارسی نوشته شده و امروزه تنها شمار اندکی از آن‌ها شناسایی شده است.

فهرست حاضر که یکی از فنی‌ترین آثار در این زمینه است، صرفاً در حوزه‌ی آثاری است که در دوره‌ی مغولان پدید آمده و صد البته که باید این دوره را دوران درخشش زبان فارسی در شبه قاره دانست.

اشکال عمده‌ی کار در این است که اثر یادشده مربوط به دست کم سه دهه‌ی پیش است؛ در حالی که پس از چاپ این کتاب فهراس زیادی منتشر شده است و الزاماً بایست از آن‌ها در تکمیل کار استفاده شود. با این حال، این که همین مقدار در اختیار پژوهشگران ایرانی قرار گیرد بسیار مقتنم خواهد بود.

از مترجم محترم که کتاب حاضر را به فارسی درآوردند و نیز دوست دانشمند جناب آقای احمد رضا رحیمی ریشه که در این کارها واسطه‌ی خیر هستند و خود نیز در ویرایش و آماده‌سازی آن سهیم بوده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم.

رسول جعفریان

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی



www.ketab.ir

فهرست مطالب

۹.....	یادداشت ویراستار
۱۲.....	مقدمه‌ی مترجم
۲۱.....	پیش‌گفتار مؤلف (چاپ ۱۹۶۷م)
۲۷.....	پیش‌گفتار مؤلف (چاپ ۱۹۸۵م)
۲۹.....	مقدمه‌ی مؤلف بر چاپ افزوده‌ها (۱۹۹۶م)
۳۰.....	یادداشت ناشر بر جلد افزوده‌ها (۱۹۹۶م)
۳۱.....	اختصارات و کتابشناسی منابع (به ترتیب الفبای فارسی)
۴۹.....	اختصارات و کتابشناسی منابع (به ترتیب الفبای انگلیسی)
۷۹.....	فهرست آثار، به ترتیب الفبایی نام مؤلفان
۶۸۹.....	آثار مؤلف ناشناخته، به ترتیب الفبایی عنوان آثار
۷۲۵.....	نمایه‌ها
۷۲۷.....	۱. نمایه‌ی پدیدآورندگان
۸۰۳.....	۲. نمایه‌ی آثار



از آن‌جا که در مقدمه‌ی مؤلف و همین‌طور در مقدمه‌ی مترجم محترم توضیحی در باب نحوه‌ی استفاده از این کتاب نیامده است در این‌جا برای راهنمایی مراجعه‌کنندگان به یادآوری کارهایی که نگارنده‌ی این‌سطور در ویرایش، تنظیم و آرایش مطالب در صفحات انجام داده است، می‌پردازم.

I. ترتیب کتاب

کتاب به ترتیب الفبایی نام مؤلفان آثار مرتب شده است. ذیل هر مؤلف آثار او بی‌هیچ ترتیبی آمده است. ذیل هر اثر معمولاً این موارد ذکر شده است:

- نام مؤلف / مترجم / شارح و و سال فوت او به هجری و میلادی.
 - مختصری در شرح احوال مؤلف.
 - تاریخ و سبب تألیف.
 - توضیحی در باره‌ی محتوا و بخش‌بندی اثر.
 - نسخه‌های اثر.
 - مشخصات چاپ اثر. در صورتی که کتاب به چاپ رسیده باشد.
 - کتابشناسی منابعی که در باره‌ی اثر و مؤلف آن بحث کرده‌اند.
- از آن‌جا که مؤلفان شماری از کتاب‌ها شناخته نشده است، این دسته از کتاب‌ها به ترتیب الفبایی نام کتاب‌ها در بخشی مجزا ذیل عنوان «آثار مؤلف ناشناخته» (ص ۷۳۴-۶۸۹) آمده‌اند.

II. شماره‌دهی

یک شماره‌ی پیاپی برای نام مؤلفان و یک شماره‌ی پیاپی برای کتاب‌ها در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که در این کتاب، کتابشناسی و نسخه‌شناسی ۲۵۲۱ اثر از ۱۹۱۳ مؤلف

آمده است. مؤلف خود نیز شماره‌ی ترتیبی برای مؤلفان در نظر گرفته بود. از آن‌جا که پس از ترتیب کتاب بر اساس الفبای فارسی ارتباط ترجمه با متن اصلی از بین رفت شماره‌ی ترتیب در نظر گرفته شده از سوی مؤلف برای پدیدآورندگان آثار، در ترجمه‌ی فارسی به همان صورت لاتین حفظ شد تا این ارتباط باقی بماند.

III. اطلاعات افزوده و تصحیحات

این کتاب سه بار از سوی مؤلف تصحیح شده و هر بار اطلاعاتی به آن افزوده شده است:

۱. در انتهای جلد اصلی. این اطلاعات را مترجم محترم ترجمه کرد و هر کدام را سر جای خود آورد.
 ۲. مؤلف در سال ۱۹۹۶م یک جلد با زیر عنوان Supplementary Part I برای اطلاعات افزوده و تصحیحات منتشر کرد. این اطلاعات را نیز مترجم ترجمه کرد و ویراستار آن‌ها را به سر جای خود بُرد.
 ۳. مؤلف در انتهای همین جلد (چاپ ۱۹۹۶م) دوباره شماری اطلاعات جدیدتر را افزود و برخی خطاها را اصلاح کرد. این‌ها را ویراستار ترجمه و سر جای خود قرار داد.
- بدین ترتیب این ترجمه‌ی فارسی شامل تمام اطلاعاتی است که مؤلف در زمان‌های مختلف به کتاب خود افزوده یا آن‌ها را اصلاح کرده است.
- مؤلفان و آثار افزوده شده با علامت * در کنار شماره‌ی مشخص شده‌اند.

IV. موارد دیگر

۱. تخلص‌های شاعران معمولاً داخل « » آمده است.
۲. عنوان مقالات (منابع مورد استفاده‌ی تألیف) با حروف ایستاده و داخل « » و نام نشریه با حروف خمیده آمده است. نام نشریات لاتین که به صورت اختصار و با حروف بزرگ است با حروف ایستاده آمده است.
۳. شیوه‌ی کَلّی چیدن عددها از چپ به راست است: ۴۷۸-۲۵۴. اما این مسأله دو استثنا دارد: الف. اگر تمام دو عدد در یک سطر جا نشود، عدد کوچک‌تر در انتهای سطر بالا و عدد بزرگ‌تر در آغاز سطر بعدی آمده است.
- ب. اگر عدد با کلمه‌ای قرین باشد (همچون مواردی که در کنار سال تولّد یا فوت به محلّ آن‌ها نیز اشاره شده است)، نخست عدد کوچک‌تر آمده و سپس عدد بزرگ‌تر.

۷. اختصارات

دو گونه اختصار در این کتاب به کار رفته است:

۱. اختصارات منابع: اختصاراتی که مؤلف، برای منابعی که از آن‌ها در تألیف این کتابشناسی استفاده کرده، برگزیده است. ویراستار متناسب با بقیه‌ی کارهای خود تغییراتی در آن‌ها داد و آن‌ها را در همه‌ی کتاب یکدست کرد. فهرست این اختصارات، همراه با کتابشناسی کامل آن‌ها، به دو ترتیب الفبایی فارسی (ص ۴۸-۳۱) و الفبایی انگلیسی (ص ۷۷-۴۹) به چاپ رسیده است.
۲. اختصارات عمومی: مؤلف برای اصطلاحاتی که در این کتابشناسی مکرر استفاده شده است نیز اختصاراتی برگزیده بود. در این اختصارات نیز متناسب با بقیه‌ی کارهای ویراستار تغییراتی داده شد و در همه‌ی کتاب یکدست شد. این اختصارات عبارتست از:

بی تا:	بدون تاریخ
بی جا:	بدون نام محل چاپ / نشر
بی ش:	بی شماره
بی نا:	بدون نام ناشر
ت:	تولد
ج:	جلد
چ:	چاپ
ح:	حدود
حک:	حکومت
د:	درگذشت
س:	سال
سل:	سلطنت
ش (پیش از عدد):	شماره
ص:	صفحه، صفحات
(ص):	صلی الله علیه و آله
(ع):	علیه السلام
ق:	قرن
قس:	قیاس کنید با
م:	میلادی
نک:	نگاه کنید به
ه:	هجری قمری
ه ش:	هجری شمسی

۷۱. اشکالات در اصل کتاب

متأسفانه اصل کتاب دچار ضعف تألیف بود. ویراستار سعی کرده است تا شماری از آن‌ها را برطرف کند:

۱. ذکر یک مؤلف یا کتاب در چند جا. به عنوان مثال کتاب فواید الانسان در سه جای مختلف ذکر شده است: یک بار در متن اصلی کتاب و ذیل «عین الملک شیرازی» و دو بار در افزوده‌ها، یک بار در حرف F ذیل «فدایی» و یک بار در حرف H ذیل «حکیم فدایی دهلوی» و هر بار با تکرار شماری از اطلاعات و افزودن اطلاعاتی دیگر که گاه با اطلاعات قبلی تناقض داشت. سعی شد تا آن‌جا که ممکن بود اطلاعات پراکنده ذیل یک مدخل جمع شود. اما در بیشتر مواقع که تناقض در اطلاعات این اجازه را نمی‌داد، همچون همین کتاب فواید الانسان، تصمیم به تکرار مدخل گرفته شد (همان‌طور که در اصل کتاب بود) و داوری نهایی به عهده‌ی خواننده گذاشته شد. شماری دیگر از این گونه مثال‌ها بدین قرار است: «ابوصالح معین‌الدین محمد منعم» در دو جا آمده بود که یکی از دو مدخل حذف و اطلاعات هر دو مدخل در هم ادغام شد. همچنین است مدخل‌های «احمد بن محمد ملتانی»، «اعتماد علی خان»، «حیرت، قیام‌الدین بن امان‌الله اکبر آبادی» و نمونه‌ی دیگر مدخل «قیلان بیگ» است که یک بار در حرف K (ش 854) و یک بار در حرف Q (ش 1474) آمده بود و اطلاعات مربوط به او در هر دو مورد عیناً تکرار شده بود!

۲. آشفتگی در ذکر شرح احوال مؤلفان. شرح احوال مؤلفان گاه ذیل نام اولین کتاب او، گاه ذیل نام دومین و ... و آخرین کتاب او، و گاه به تفاریق ذیل همه‌ی این موارد آمده است. گردآوردن این آگاهی‌ها در یک جا، هم مستلزم صرف وقت بسیار بود و هم موجب دستکاری در اصل تألیف و انشای آن. از این رو این موارد به همان صورت اصل کتاب آمده است.

اما وجود این‌گونه اشکالات از ارزش این کتاب نمی‌کاهد. مارشال در این کتاب، با استخراج انبوهی از اطلاعات از فهرست‌های پراکنده و گاه بسیار آشفته‌ی شبه قاره و همچنین پژوهش‌هایی که در باب مؤلفان و آثارشان شده و با کنار هم قراردادن و سنجیدن آن‌ها با یکدیگر، اثری سوهمند و ماندگار به پژوهشگران تقدیم کرده است.

تهران، ۱۵ بهمن ۱۳۸۸ هـ.ش

احمد رضا رحیمی ریس

ظهیرالدین محمد بابر (د: ۹۳۷هـ) از نوادگان امیر تیمور گورکان، که پس از رانده شدن از ولایت پدری‌اش فرغانه و پس از کشاکش‌ها و بردهای بسیار با دیگر شاهزادگان تیموری و نیز ازبکان و افتادن سرزمین‌های اصلی و مهم قلمرو تیموریان (سمرقند، بخارا و غیره) به دست ازبکان، در کابل استقرار یافته و با ناامید شدن از بازستانی قلمرو اصلی تیموریان در پی گشودن هند افتاده و چند بار به آنجا تاخته بود، در ۹۳۲هـ برای پنجمین بار به هند تاخت و ابراهیم شاه، آخرین فرمانروای خاندان افغان لودی، را بشکست و به قتل آورد و دهلی را بگرفت و بدین‌سان خاندان شاهی تیموریان یا گورکانیان هند را (که در منابع غربی به مغولان یا مغولان بزرگ آوازه دارند) بنیاد نهاد که برجسته‌ترین خاندان شاهی مسلمان هند، در دوره‌ی چند صدساله‌ی فرمانروایی مسلمانان بر این سرزمین، به شمار می‌آید. بابر که پادشاهی دانشور و ادیب بود و به ترکی چغتایی و فارسی شعر می‌سرود چند سال پایانی زندگیش را به تحکیم و گسترش قلمرو خود در هند گذراند و چون درگذشت جای خود را به پسرش همایون (ت: ۹۶۳هـ، د: ۹۶۳هـ) داد.

همایون نیز مردی دانشمند، فاضل و ادیب بود، اما وی از همان ابتدا با مخالفت‌های برادرانش (کامران، عسکری، هندال) روبه‌رو گردید و همواره ناگزیر به جنگ و جدال با آن‌ها می‌شد و سرانجام به سبب همین درگیری‌های داخلی نتوانست شورش شیر شاه سور، از سرکردگان افغان، را فرو مالود و در ۹۴۷هـ از شیر شاه شکست خورد و پس از مدتی گریز و آوارگی، به دربار شاه تهماسب یکم صفوی، پادشاه ایران، پناهنده شد (۹۵۰هـ) و از او یاری گرفت و نخست قندهار و کابل و نواحی اطراف را بازستاند و سرانجام، پس از مرگ شیر شاه (۹۵۲هـ) و در پی ضعف و ناتوانی جانشینان او، در ۹۶۲هـ دهلی را گرفت و بار دیگر بر تخت شاهی هند نشست.

همایون، در بازگشت از ایران، شماری از سرداران و دانشوران و اهل فضل و ادب و هنر را با خود به هند برد و از دوره‌ی اوست که کوچ گسترده‌ی نخبگان ایرانی، که از مدت‌ها پیش سرزمین افسانه‌ای هند را جایگاهی برای پیشرفت و ترقی خود یا پناهگاهی برای گریز از دست فرمانروایان سخت‌گیر ایران می‌دیدند

و به آنجا روی می آوردند و اینک با روی کار آمدن پادشاهان صفوی عرصه را بیش از پیش برای خود تنگ می یافتند. دامنه‌ای بی سابقه یافت و هزاران تن از سربازان، دولتمردان، بازرگانان، پیشه‌وران، دانشوران، نویسندگان، سرایندگان و هنرمندان ایرانی به شبه قاره کوچیدند و ادب و فرهنگ ایرانی را با خود به آنجا بردند. همایون یک سال پس از بازگشت به دهلی درگذشت (۹۶۳هـ) و پسر خردسالش اکبرشاه بر تخت شاهی برآمد.

اکبرشاه در آغاز پادشاهی با مخالفت‌ها و شورش‌های نیرومند و گسترده‌ای روبرو گردید، ولی با یاری سرداران توانای خود به‌ویژه سپهسالار ایرانی تبارش بیرم‌خان (د: ۹۶۸هـ) بر همه‌ی دشواری‌ها چیره گردید و موقعیت خود را استوار ساخت و قلمروش را گسترش بی سابقه بخشید.

دوره‌ی دراز پادشاهی اکبر (حک: ۱۰۱۴-۹۶۳هـ) دوره‌ی تحکیم و گسترش قدرت تیموریان در هند و شکوفایی اقتصاد و فرهنگ این سرزمین در این دوره است. اکبرشاه، که برجسته‌ترین پادشاه هند در دوره‌ی اسلامی به‌شمار می‌آید و بسیاری او را هم‌تراز آشوکا، پادشاه نامدار هند در دوره‌ی باستان می‌شمرند، به‌رغم آن‌که از نوشت و خواندن چندان بهره نداشت با یاری رایزنان دانشوری مانند مبارک ناگوری و پسران او، ابوالفیض فیضی، (یا فیاضی) و ابوالفضل غلامی به اصلاحاتی گسترده در کشورداری، در زمینه‌های نظامی، مالی، دینی و غیره، دست زد و کشوری با ساختار لشکری و دیوانی استوار برای جانشینان خود به جای گذاشت. سیاست فرهنگی اکبر که بر سه اصل رواداری دینی، تعلیم عمومی و تجلیل از علوم و فنون، به‌ویژه دانش‌ها و هنرهای هندوان، استوار بود تحصیل را عموماً و آموزش فارسی را خصوصاً گسترش بخشید و خط و زبان فارسی را در میان هندوان رواج داد. عهد اکبر دوره‌ی زرین زبان و ادبیات فارسی در هند بود. سنت گماشتن دانشمندان به نگارش کتاب‌هایی به زبان فارسی، زبان رسمی دربارش، و یا ترجمه‌ی آثار عربی، ترکی، لاتین و به‌ویژه سنسکریت به فارسی در میان گورکانیان را او پایه افکند. آثار سنسکریتی مانند مهابهارت، راماین، راج ترنگینی، سنگهاسن بتیسی، پنچاتنترا، نل دمیتی، و کنهاسرت ساگر در زمان او به فارسی برگردانیده شد. اکبرشاه به تشویق گویندگان و نویسندگان فارسی می‌پرداخت، چنان‌که دربارش را دربار ثانی ایران دانسته‌اند.

دو جانشین بلافضل اکبرشاه، جهانگیر (حک: ۱۰۳۷-۱۰۱۴هـ) و شاهجهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷هـ)، نیز پادشاهانی پشتیبان فضل و ادب بودند و در دوره‌ی این دو، که دوره‌ی اوج شکوفایی اقتصاد و فرهنگ هند در دوره‌ی تیموریان است، همچنان نخبگان ایرانی به تعدادی پرشمار به هند می‌کوچیدند و دربار تیموری و دربارهای کوچک تر شاهان نیمه مستقل و امرای بزرگ هند را به فضل و هنر خود می‌آراستند. جهانگیر پادشاهی شاعر، انشاءپرداز، تاریخ‌نگار و خوشنویس بود و در نقاشی نیز دست داشت. دوره‌ی او را به‌ویژه پس از ازدواج با همسر ایرانی‌اش نورجهان بیگم، می‌توان دوره‌ی اقتدار ایرانیان در دربار

تیموریان هند شمرده. زبان دربار و همه‌ی نوشته‌های پادشاهی فارسی بود. وی در تشویق نویسندگان و سخنوران فارسی زبان و دیگر هنرمندان از همه‌ی پیشروان و حتی از پدر خود اکبر گوی سبقت را ربود و بهترین مناصب و گران‌بهرترین نوازش‌های خود را بدانان اختصاص داد. آرامگاه جهانگیر در شاهدره، نزدیک لاهور، از ساختمان‌های بسیار زیبا و باشکوه کنار رود راوی است و در نزدیکی آن آرامگاه نورجهان نهاده است.

شاهجهان (ت: ۱۰۰۰هـ، د: ۱۰۷۵هـ)، پسر و جانشین جهانگیر، شاید در کشورگشایی به پای نیای خود اکبر نمی‌رسید، ولی در آبادانی شهرها، توسعه‌ی کشاورزی و افزایش درآمد خزانه‌ی شاهی و روی هم رفته در کار کشورداری بسیار موفق بود. وی پادشاهی بسیار سازنده بود و شهرهای تازه‌ای، از آن میان شاهجهان‌آباد (دهلی نو)، را برآورد. ساختمان باشکوه پرآوازه‌ی تاج محل، معروف‌ترین بنای هند در دوره‌ی اسلامی، را نیز برای آرامگاه ابدی همسر ایرانی تبارش ممتاز محل ساخت (۱۰۴۱هـ) و خود نیز پس از مرگ در آنجا به خاک سپرده شد.

سال‌های پایانی پادشاهی شاهجهان به ونج و اندوه گذشت؛ پسران وی بر سر تاج و تخت به جان هم افتادند و از آن میان اورنگزیب که در جنگاوری سرآمد دیگر شاهزادگان بود برادران خود و از جمله داراشکوه، پسر بزرگ شاهجهان، را که شاهزاده‌ای صوفی مشرف و ادیب و پشتیبان اهل فضل و ادب و طرفدار همزیستی و همگرایی میان هندوان و مسلمانان بود، به‌کشت و بکشت (۱۰۶۹هـ) و تخت شاهی را تصاحب کرد و شاهجهان را نیز تا پایان زندگی‌اش تحت بازداشت قرار داد.

شاهنشاهی تیموری هند در دوره‌ی دراز فرمانروایی اورنگزیب (ج: ۱۱۱۸-۱۰۶۸هـ) به اوج قدرت و وسعت خود رسید و کمابیش سراسر شبه قاره‌ی هند به تصرف آن درآمد و پادشاهی‌های نیمه‌مستقل دکن یا جنوب هند (نظام‌شاهیان احمدنگر، عادل‌شاهیان بیجاپور، و قطب‌شاهیان کلکنده و حیدرآباد) از میان برداشته شد.

عالمگیر اورنگزیب پادشاهی شجاع، هوشمند و کارداران بود و با سپاه نیرومند و دستگاه اطلاعاتی مؤثر خود سرکشان و شورشیان را فرومالید. وی اگرچه در آغاز پادشاهی‌اش با کشتن برادر بزرگ و کمابیش آزاداندیش خود داراشکوه و نیز آزادگانی چون سرمد شاعر، تحت القانات برخی علمای متعصب، نام خود را به بدنامی آلوده ساخت، ولی با ایجاد و استقرار نظامی استوار در کشور، به‌ویژه در بیست و پنج سال نخست فرمانروایی‌اش، به همه‌جا امنیت و رفاه بخشید و به پیشرفت کشاورزی، بازرگانی و صنعت کمک کرد. او، برخلاف نیای بزرگش اکبر شاه و برادر خود داراشکوه که صوفی آزادمنشی بود و مسلمان و هندو را برابر و یکسان می‌شمرد، سنی متعصب و تحت نفوذ علمای بزرگ اهل سنت بود و نسبت به شیعیان و هندوان روشی سخت‌گیرانه در پیش گرفت و حتی هندوان، یعنی اکثریت اتباع خود را، به پرداخت جزیه واداشت؛

تقویم قمری را به جای تقویم شمسی رایج کرد و از برگزاری جشن نوروز که در دربار تیموری هند باشکوه فراوان برگزار می شد جلوگیری کرد.

اورنگزیب مشوق و مروج علوم و کتب و مدارس دینی بود و در این راه بسیار می کوشید. به فرمان و تحت سرپرستی او، گروهی از دانشمندان دینی به ریاست شیخ نظام برهانپوری، مجموعه‌ی بسیار بزرگی از قوانین اسلامی به عربی را به نام فتاوی عالمگیری تألیف کردند. با این که او به شاعران و تاریخنگاران چندان روی خوش نشان نمی داد و حتی از سرپرستی شعرا دست برداشت و مقام ملک الشعرا را دربار را حذف کرد و نیز بساط تاریخ‌نویسی رسمی را که از دیرباز در هند گسترده بود پرچید، باز در دوره‌ی او سرایندگان و نویسندگان برجسته و پرشماری سربرآوردند و آثار ارزشمندی به فارسی و زبان‌های مردم هند (سنسکرت، اردو، هندی، و غیره) ساخته شد. مکاتبات رسمی دربار اورنگزیب که بسیار و همه به فارسی است نشانگر تبخّر و استادی او در زبان و ادب فارسی است.

در اواخر پادشاهی اورنگزیب، اوضاع پادشاهی تیموری رفته رفته رو به آشوب و آشفتگی گرایید و گروه‌ها و اقوام گوناگون به ویژه در میان هندوان، و از آن میان قوم نیرومند مراته، به سرکشی پرداختند و می توان گفت که از این هنگام شاهنشاهی تیموری در سراشیبی فروپاشی افتاد.

با مرگ اورنگزیب (۱۱۱۸هـ) بار دیگر شعله‌های جنگ جانشینی و برادرکشی فروزان شد و این بار شاه عالم بهادرشاه یکم محمد معظم (ت: ۱۰۵۲: د: ۱۱۲۴هـ)، پسر بزرگ اورنگزیب، بر دو برادر دیگر خود محمد اعظم شاه و محمد کام‌بخش فایق آمد و تخت شاهی تیموری را به چنگ آورد.

دوره‌ی کوتاه پادشاهی بهادرشاه (حک: ۱۱۲۴-۱۱۱۹هـ) شاهد شورش‌های گسترده‌ی اقوام هندو مانند مراته‌ها، راجپوت‌ها و به ویژه سیک‌ها بود. بهادرشاه فرمان‌هایی به چندان بزرگ ولی کمابیش موفق بود. پس از مرگ وی میان چهار پسرش، یعنی محمد معزالدین جهاندارشاه، محمد عظیم عظیم‌الشان بهادر، رفیع‌القدر رفیع‌الشان بهادر و خجسته اختر جهان‌شاه بهادر، بر سر تاج و تخت جنگ در گرفت که به پیروزی و پادشاهی جهاندار شاه و قتل سه برادر او انجامید (صفر ۱۱۲۴هـ).

اما پادشاهی جهاندارشاه نیز دیری نپایید و وی اندکی بعد، از فرخ سیر، فرزند عظیم‌الشان، شکست خورد (ذوالحجّه ۱۱۲۴هـ) و کشته شد (محرم ۱۱۲۵هـ) و فرخ سیر با یاری برادران سید بارهوی (سید حسین علی خان و سید حسن علی خان) بر تخت شاهی نشست.

این جنگ‌های جانشینی و برادرکشی به افول قدرت پادشاه و رشد روزافزون قدرت دسته‌های درباری و امرا و جنگ‌سالاران انجامید. دربار تیموری دهلی به کانون رقابت و دسیسه‌چینی‌های دسته‌های درباری مبدل گردید و پادشاه به صورت آلت دست آنان درآمد و گرایش به رهایی از قید دربار دهلی در میان امرا و جنگ‌سالاران و سرکردگان محلی شدت یافت و روند فروپاشی شاهنشاهی تیموریان شتاب گرفت.

فرخ سیر پس از مدتی بر آن شد تا خود را از دست برادران سید بارهوی برهاند و از این رو به دسته‌ای دیگر از امرای آورد و به توطئه‌چینی بر ضد برادران سید پرداخت. برادران سید، یعنی قطب‌الملک سید حسن علی خان و سید حسین علی خان که اینک به ترتیب مقام‌های وزیر اعظمی و امیرالامرای (یا سپهسالاری) را در اختیار داشتند به مقابله با این توطئه‌ها برخاستند.

این کشاکش چند سال به درازا کشید تا سرانجام برادران سید، فرخ سیر را برانداختند و بکشتند (۱۱۳۱هـ) و نخست شمس‌الدین ابوالبرکات رفیع‌الدرجات (پسر رفیع‌الشأن پسر شاه عالم بهادرشاه) را در ۹ ربیع‌الاول ۱۱۳۱هـ و سپس (پس از مرگ رفیع‌الدرجات)، برادرش رفیع‌الدوله را با لقب شاهجهان دوم در رجب ۱۱۳۱هـ به شاهی برداشتند و چون رفیع‌الدوله نیز درگذشت محمد روشن‌اختر (پسر جهان شاه پسر شاه عالم بهادرشاه) را با نام محمد شاه در ۱۵ ذوالقعدة ۱۱۳۱هـ بر تخت شاهی نشاندند.

اما محمدشاه به‌زودی در پی برانداختن برادران سید بارهوی برآمد و سرانجام با یاری شماری از امرای آن‌ها را از میان برداشت (۱۱۳۲هـ).

در دوره‌ی محمدشاه (حک: ۱۱۳۱-۱۱۳۲هـ) امرا و جنگ‌سالاران و حکام ولایات بیش از پیش قدرت گرفتند و برخی از آن‌ها مانند نظام‌الملک آصفجه، حاکم حیدرآباد دکن، و برهان‌الملک محمد امین سعادت‌خان، نواب اوده، در ولایات تحت اختیار خود عملاً مستقل شدند و خاندان‌های فرمانروای نیمه مستقل و سپس مستقلی را در این ولایات بنیاد نهادند که برخی از آنها حتی پس از فروپاشی شاهنشاهی تیموری تا مدتی به حیات خود ادامه دادند.

مهم‌ترین رویداد دوره‌ی محمدشاه، یورش نادرشاه افشار به هند و تصرف و غارت دهلی به دست او (۱۱۵۲هـ) است. یورش نادرشاه و سپس یورش‌های غارتگرانه‌ی متعدد احمدشاه درانی، پادشاه افغانستان (حک: ۱۱۸۶-۱۱۶۰هـ)، شاهنشاهی تیموری به مرکزیت دهلی را بیش از پیش ناتوان ساخت و به امرا و جنگ‌سالاران و نیز اقوام جنگجوی هندو مانند مراته‌ها، راجپوتان و سیک‌ها توان بخشید و زان پس تا مدت‌ها شبه قاره دستخوش تاخت و تازهای دسته‌های گوناگون هندو و مسلمان بود.

دو جانشین بعدی محمدشاه، احمد شاه (حک: ۱۱۶۷-۱۱۶۱هـ) و عالمگیر دوم (۱۱۷۳-۱۱۶۷هـ)، از خود چندان قدرت و اختیاری نداشتند و این امرایی مانند امیرالامرا عمادالملک غازی‌الدین خان فیروز جنگ بودند که امور دربار دهلی را می‌گردانیدند.

دوره‌ی شاه‌عالم دوم (۱۲۲۱-۱۱۷۳هـ) را می‌توان دوره‌ی گسترش نفوذ انگلیسی‌ها در شبه قاره‌ی هند و سرانجام سلطه‌ی آنان بر این سرزمین دانست. انگلیسی‌ها پس از نفوذ آرام و تدریجی در بنگال، سرانجام در نبردی سرنوشت‌ساز در بکسر از توابع عظیم آباد سپاه بزرگ ولی آشفته‌ی شجاع‌الدوله (نواب اوده) و میر قاسم علی خان (ناظم بنگال) و شاه عالم (که در حوالی الله‌آباد تحت حمایت شجاع‌الدوله به‌سر می‌برد) را

بشکستند (ربیع الآخر ۱۱۷۸ هـ). پس از این نبرد، شاه عالم مدتی در الله آباد / اله آباد تحت حمایت انگلیسی‌ها به سر برد و سپس به دهلی رفت (۱۱۸۵ هـ).

شاه عالم که پادشاهی ناشایسته و همچون بیشتر پادشاهان پسین تیموری آلت دست امرا و درباریان بلندپایه بود پس از ورود به دهلی به شادخواری و خوش‌باشی سرگرم گردید و پیرامونیان وی فرصت یافته هر یک به تحکیم موقع خود سرگرم شدند. در این میان، نجف خان، سردار ایرانی تبار که مردی دلیر و شایسته بود، به سرعت ببالید و به زودی مدار المهاد دربار دهلی گردید و از شاه عالم جز نامی در پادشاهی نماند. البته در این هنگام قلمرو شاهنشاهی تیموری عملاً به دهلی و برخی نواحی اطراف آن محدود می‌شد و انگلیسی‌ها روز به روز بر مناطق تحت سلطه‌ی خود در هند می‌افزودند.

پس از مرگ نجف خان (۱۱۹۶ هـ) نیز از شاه عالم کاری برنیامد و سرکردگان مسلمان و هندو پیوسته به تاخت و تاز در دهلی و اطراف آن سرگرم بودند و سرانجام نیز یکی از اینان به نام غلام قادرخان روهیله‌ی افغان، شاه عالم را بگرفت و بر چشمان او میل کشید. البته غلام قادرخان اندکی بعد به دست مراته‌ها افتاده و کشته شد. اما پس از آن شاه عالم دیگر هیچ قدرتی نداشت و دهلی در دست سرکردگان مراته بود تا سرانجام انگلیسی‌ها در ۱۲۱۸ هـ دهلی را بگرفتند.

دو پادشاه آخر تیموری هند، محمد اکبر (حک: ۱۲۵۳-۱۲۲۱ هـ) و بهادرشاه دوم (حک: ۱۲۵۳-۱۲۷۵ هـ)، چیزی جز پادشاهانی تشریفاتی و جیره‌خوار شرکت هند شرقی انگلیس نبودند و از خود اقتداری نداشتند و در دوره‌ی آن‌ها این انگلیسی‌ها بودند که اینک بر شبه قاره فرمان می‌راندند.

در پی شورش مردم هند بر ضد انگلیسی‌ها در ۱۲۷۴ هـ / ۱۸۵۷ م و شکست شورش در ۱۲۷۵ هـ / ۱۸۵۸ م، به این پادشاهی تشریفاتی تیموریان نیز پایان داده شد و انگلیسی‌ها، بهادرشاه را بگرفتند و به رانگون در برمه تبعید کردند و او در همان‌جا در ۱۲۷۹ هـ درگذشت. بدینسان، با رافتادن شاهنشاهی تیموری هند، حکومت چند صدساله‌ی مسلمانان بر هند (به مرکزیت دهلی) نیز پایان گرفت. گرچه پس از آن نیز برخی حکومت‌های محلی نیمه مستقل تحت الحمایه‌ی انگلیس، مانند حکومت نظام‌ها یا آصفجاییان حیدرآباد، تا مدتی به حیات خود ادامه دادند.

دوره‌ی تیموریان، درازترین دوره‌ی فرمانروایی مسلمانان در شبه قاره و عصر زرین نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایرانی در این سرزمین به شمار می‌آید.

گرچه هند همیشه سرزمینی پرجاذبه برای ایرانیان بوده است و از زمان‌های دور، و حتی پیش از اسلام، ایرانیان برای بازرگانی و گاه برای اقامت به منظور بهبود و پیشرفت زندگی خود به آنجا سفر یا کوچ می‌کردند. ولی در دوره‌ی تیموریان است که هند به مقصد اصلی یکی از بزرگترین امواج کوچندگی ایرانیان، مبدل گردید و هزاران تن از بازرگانان، پیشه‌وران، سربازان، دانشوران، نویسندگان، سرایندگان، هنرمندان و دیگر اشرار

مردم ایران، در جستجوی رفاه و خوشبختی یا در گریز از سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ی پادشاهان صفوی، به هند کوچیدند و در دستگاه پادشاهی تیموری هند به بالاترین مقامات سیاسی، نظامی، اداری، اقتصادی و فرهنگی رسیدند و آداب و فرهنگ ایرانی را در اکناف و اطراف هند پراکندند و رواج دادند.

با این‌که زبان فارسی از نخستین یورش‌های مسلمانان به هند در این سرزمین رواج یافته و از تشکیل نخستین حکومت‌های مسلمانان در هند، یعنی از دوره‌ی استقرار غزنویان در شمال هند (به مرکزیت لاهور) و به‌ویژه از زمان بنیاد سلطان‌نشین دهلی به دست قطب‌الدین ایبک در حدود ۶۰۳ هـ، زبان رسمی و دیوانی پادشاهان مسلمان هند بوده است، اما در دوره‌ی تیموریان است که به اوج نفوذ و گسترش خود در آنجا می‌رسد و به زبان میانجی، یعنی زبانی برای ارتباط میان مردمانی که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند، در هند مبدل می‌گردد. در این دوره، گذشته از مکاتبات و اسناد رسمی، آثار بی‌شماری به فارسی نوشته شده و یا از زبان‌های دیگر، به‌ویژه از سنسکریت، به فارسی برگردانیده شده است. بیشتر پادشاهان، شاهزادگان و امرای تیموری هند پشتیبان گشاده‌دست نویسندگان و سرایندگان فارسی‌گو بودند و بسیاری از آن‌ها خود نیز ذوق شعر و ادب داشتند، اما فراموش نباید که تیموری، به‌ویژه اکبرشاه، و شاهزادگانی مانند داراشکوه زبان و فرهنگ بومی هند را نیز از پشتیبانی و نواخت خود بی‌بهره نمی‌گذاشتند و دانشوران و ادیبان هندو و سنسکریت‌دان را نیز می‌نواختند و از کارهایشان پشتیبانی می‌کردند، تا بدان‌جا که از نوزایی فرهنگی سنسکریت در این دوره سخن رفته است.

در دوره‌ی تیموریان، در نتیجه نفوذ عظیم زبان فارسی بر گویش (یا پراکریت)‌های محلی سنسکریت، شماری از زبان‌های کنونی رایج در شبه قاره، مانند هندی، اردو، پنجابی، و سندی، پدید آمده یا دست‌کم به شکل کنونی درآمده‌اند. در دیگر زبان‌های محلی هند، مانند بنگالی، تاملی و غیره، نیز تأثیر و نفوذ گسترده‌ی فارسی پدیدار است.

به هر حال، دوره‌ی تیموریان هند نه تنها از جهت تاریخ شبه قاره‌ی هند و تحول اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم و جامعه‌ی هند اهمیت عظیم دارد، در پیوند با ایران و گستره و نفوذ تمدن ایرانی و تأثیر متقابل تمدن‌های هند و ایرانی هم کم‌اهمیت نیست. بخش مهمی از روابط خارجی پادشاهی صفوی را روابط آن با پادشاهی تیموری هند و حتی رقابت آن دو پادشاهی، و گاه جنگ‌های آن‌ها بر سر قندهار، تشکیل می‌دهد. آثار فارسی نوشته‌شده در دوره‌ی تیموری در هند، به مراتب بیشتر از آثار فارسی ساخته‌شده در دوره‌ی صفوی در ایران است و از این رو بخشی از تاریخ تطوّر نثر و نظم فارسی، از آن میان سبک هندی، را باید در هند دوره‌ی تیموری جست.

به هر حال، پژوهش دوره‌ی تیموریان هند از جهات گوناگون، برای هندیان و حتی ایرانیان، اهمیت اساسی دارد و نخستین گام در این کار تهیه‌ی کتابشناسی یا فهرست منابع مربوط به این دوره، به‌ویژه آثاری

که در خود روزگار تیموریان نوشته شده‌اند، در زمینه‌های گوناگون است. کتاب مارشال از جمله‌ی کتابشناسی‌های مهم و ارزشمند در این موضوع است که از هنگام نخستین چاپ خود (۱۹۶۷م) از کتابشناسی‌های کمایش جامع مربوط به این دوره به‌شمار می‌آید، ولی امروزه، با توجه به کشف بسیاری از دست‌نویس‌های مربوط به دوره‌ی تیموریان و نیز چاپ فهرست‌های بسیاری از کتابخانه‌های عمومی یا مجموعه‌های شخصی، کمبود بسیار دارد و آثار بسیاری را می‌توان در این کتابشناسی گنجانده. با وجود این، در همین اندازه نیز اثری سودمند است و بسیاری از منابع مهم را دربردارد و به کار پژوهشگران می‌آید.

بیشتر آثار شناسانده‌شده در این کتابشناسی، طبیعتاً به فارسی است، اما آثاری به اردو، عربی، هندی و به‌ویژه سنسکریت و نیز به برخی زبان‌های محلی هند مانند تاملی، بنگالی، گجراتی و راجستانی در آن آمده است. چون پژوهشگران ایرانی معمولاً، مگر به‌استثنا، به زبان‌های هندی و سنسکریت و زبان‌های محلی هند آشنایی ندارند، آثاری که به این زبان‌هاست و شمارشان، به‌ویژه آثار سنسکریت، کم هم نیست در ترجمه انداخته شده است.



در ۱۹۲۹م، هنگام تألیف فهرست مجموعه‌ای خصوصی از اسناد و مواد جالب توجه برای پژوهندگان دوره‌ی تیموری تاریخ هند، متعلق به شادروان ویساجی دی. بی. تاراپوروالا^۱، در فکر تألیف فهرست (یا کتابشناسی) مشروح منابع لازم برای مطالعه‌ی آن دوره افتادم. سال بعد، هنگامی که در پی دریافت بورس پژوهشی سیز پی. ام. مهتا^۲، انجام کاری پژوهشی در باره‌ی موضوعی مربوط به دوره‌ی تیموری را بر عهده گرفتم تهیه‌ی چنین فهرستی به عنوان پیش‌نیازی برای آن کار ضرورت یافت. آن سال، وقتی به این کار دست یازیدم، از فراز و نشیب‌هایی که باید از سر بگذرانید و سالیانی که برای به انجام رسانیدن آن باید به درازا بکشید تصور ناچیزی در سر داشتم. خدا را سپاسگزارم که پس از زمانی دراز سرانجام شاهد به انجام رسیدن دست کم بخشی از کار، به شکل کتاب حاضر، به طرزی شایسته هستم، گرچه از این که می‌بینم اکنون بخشی از کار برای بهره‌گیری پژوهشگران آماده است بسیار خوشحالم، با اندکی تردید آن را در دسترس عموم قرار می‌دهم، زیرا می‌دانم کار، به رغم بیشترین کوشش، کاستی‌هایی دارد. با وجود این، این اثر به گمان من اثری سودمند است و درست نیست که انتشار آن تارفع همه‌ی کاستی‌ها و نواقص به تعویق افتد. بیت برآوازه‌ی زیر از الکساندر پوپ^۳ شاعر مرا در این تصمیم مصمم‌تر می‌سازد:

آن که در اندیشه‌ی دیدن قطعه‌ای بی‌نقص است

سودای چیزی را در سر دارد که هرگز نبود و نخواهد بود

از پژوهشگران معنون خواهم شد اگر کمبودها و کاستی‌های این اثر را خاطر نشان سازند تا در چاپ دوم، در صورت لزوم، برطرف شوند.

1. Vicaji D. B. Taraporewala.

2. P. M. Mehta.

3. Alexander Pope.

در این اثر کوشش شده است تا فهرستی تا حد ممکن جامع از منابع لازم برای پژوهش (تاریخ و جامعه‌ی) هند در روزگار فرمانروایی تیموریان به دست داده شود. منابع مذکور در کتاب به زبان‌های مختلف و مربوط به جنبه‌های گوناگون زندگی - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره - است. هیچ زبانی را کنار نگذارده و هیچ جنبه‌ای از زندگی را نادیده نگرفته‌ام. قصد آن است که این بررسی تا حد امکان جامع و کامل باشد و هیچ منبعی، گرچه با موضوع کتاب ارتباط غیر مستقیم داشته باشد و یا برگوشه‌ای از زندگی و کار و تلاش (مردم هند در) دوره‌ی مورد بحث روشنی می‌افکند، از قلم نیفتد.

این فهرست در آغاز طرحی با گستره‌ای مناسب به نظر می‌رسید. اما با گذشت زمان، گستره‌ی آن بیش از پیش رشد یافت و از این رو، سرانجام تصمیم گرفتم که این جلد نخست را تنها به آثاری که به صورت دست‌نویس موجودند محدود نمایم و جلد دیگری را در آینده به منابع چاپی اختصاص دهم. بنا بر این، جلد حاضر عمدتاً به منابع معاصر یا دست‌اول دست‌نویس محدود شده است و منابع دست دوم یا چاپی دوره‌ی متأخر را که برگرفته از (یا مبتنی بر) منابع دست اول یا معاصرند، مگر به طور اتفاقی و ضمنی، دربر ندارد. منابع دست دوم، شامل کتاب‌های چاپی و مقالات منتشر شده در نشریات، برای جلدی دیگر و جداگانه کنار گذاشته شده‌اند.

با تعیین دامنه‌ی جلد حاضر، هر مدخل را، پیش از آوردن در کتاب، از جهت پیوند آن با موضوع مورد مطالعه - تیموریان در هند - بررسی‌ده‌ام. البته در چنین روند گزینشی، برخورد و تفسیر آسان‌گیرانه را ترجیح داده‌ام. برای نمونه، در مورد هر نویسنده، گذشته از آن آثار او که پیوندی مستقیم با پژوهش این دوره دارد، آثار دیگرش را هم که مستقیماً چندان پیوندی با موضوع کتاب ندارد، آورده‌ام. به همین سان، نگاشته‌هایی را در دیگر زمینه‌ها که می‌تواند بر پژوهش گونه‌ها و جنبه‌های مختلف کار و تلاش انسان در این دوره روشنی افکند نیز ذکر کرده‌ام. این گزینش در پیوند با آثار موجود به سنسکریت و زبان‌های هم‌پسته گزینشی کامل و جامع نیست. در گزینش این آثار، گذشته از ذکر آثار ساخته شده با پشتیبانی فرمانروایان معاصر، برخوردی آسان‌گیرانه پیش گرفته‌ام تا نوزایی فرهنگی سنسکریت در دوره‌ی تیموریان هند را بارزتابانم و تصویری از سرشت و گستره‌ی پشتیبانی دربار تیموریان هند از دانش و ادبیات به دست دهم.

ذکر آثاری به زبان‌های گوناگون در این جلد، مسئله‌ی حرف‌نویسی^۱ را پیش آورده که در عمل مسئله‌ای بسیار دشوار و گیج‌کننده درآمد. پذیرش دستگاه‌های حرف‌نویسی استاندارد رایج در باره‌ی هر زبان، گونه‌ای راه حل این مشکل می‌نمود. اما در عمل مشاهده شد که گاه در یک مدخل، یک واژه به صورت‌های گوناگون و همراه‌کننده نمود یافته است. به علاوه، مشکلات چاپخانه را در تأمین انواع گسترده‌ای از

نشانه‌های زیر و زبری^۱ و حروف چینی‌های ویژه نمی‌شد نادیده گرفت. بنا بر این، رویکرد خشک و کتابی را کنار گذاشتم و رویکردی مردم‌پسند را با کاربرد آوانگاری موردی^۲ پیش گرفتم. کاستی‌های این راه حل بینایی طبیعتاً مورد نقد قرار خواهد گرفت و از این رو خواهشمندم که با گذشت و تساهل با این کاستی‌ها برخورد شود.

ترتیب مداخل بر اساس نام نویسندگان (و سرایندگان) و، در مورد آثار مؤلفان ناشناخته که در بخش جداگانه‌ای آمده، بر اساس عناوین کتاب‌ها است. این جلد دارای نمایه‌ی جامع عناوین و، به دنبال آن، نمایه‌ی موضوعی است. تهیة نمایه‌ی جداگانه‌ی نام‌های نویسندگان، همراه با صورت‌های اصلی دیگر احتمالی یک نام، کاری سنگین و پر زحمت بود و، با توجه به این که کار چاپ کتاب دوازده سال به درازا کشیده بود، صلاح در حذف آن دیده شد. البته در متن کتاب این کاستی تا اندازه‌ای برطرف شده و شقوق (یا صورت‌های) دیگر نام نویسندگان در موارد لزوم، حتی با تن دادن به خطر تکرار یک مدخل، آمده است. این جلد دوازده سال در دست چاپ بوده و از این رو، برای روزآمد کردن مندرجات فهرست و ارجاعات، ناگزیر به آوردن پیوست^۳ «افزوده‌ها و تصحیحات» شده‌ایم.^۲

در هر مدخل، گذشته از نام کامل نویسنده و نام اثر، با صورت‌ها یا شقوق معروف دیگر نام، برخی یا همه‌ی آگاهی‌های زیر را به دست داده‌ایم:

یک. اطلاعات کوتاهی درباره‌ی مندرجات اثر؛

دو. ارتباط اثر با پژوهش دوره‌ی تیموریان؛

سه. چاپ‌های موجود متن، و گزیده‌ها و ترجمه‌های اثر در صورت وجود؛

چهار. منابع دارای بحث و گفتگو یا شرح و توضیح درباره‌ی این گونه آثار؛

پنج. کتابخانه‌ها یا مجموعه‌های خصوصی که دست‌نویس‌های اثر در آن‌ها نگهداری می‌شود. عمدتاً با ارجاع به فهرست‌های رایج دست‌نویس‌های این کتابخانه‌ها یا مجموعه‌ها، این ارجاعات به شکل اختصارات انجام پذیرفته و راهنمای اختصارات^۳ کاربرده در این جلد، دُرُست پیش از آغاز متن کتاب آمده است.

هدف از آوردن همه‌ی این جزئیات، به دست دادن اطلاعات تا حد امکان کامل درباره‌ی هر اثر است. به‌ویژه درباره‌ی پیوند آن (با موضوع اصلی این فهرست)، جاهایی که آن اثر رانگه می‌دارند، و اشاراتی که در آثار دیگر بدان شده و از روی این اشارات می‌توان آن را یک منبع پژوهش (دوره‌ی تیموری هند) شمرد.

1. Diacritical marks.

2. Ad hoc phonetic transliteration.

۳. مندرجات این پیوست را در ترجمه در درون متن به کار برده یا آورده‌ام. -م.

به هر حال، سعی بر این بوده است که این کار، جامع و فراگیر و از جهات مختلف سودمند باشد. با وجود این، چنان‌که پیشتر گفته آمد، از هر پیشنهادی برای افزایش سودمندی آن یا خشنودی فراوان استقبال خواهد شد. نگارنده در تألیف این اثر هیچ ادعای نوآوری ندارد و هدف اصلی او از این تلاش، تهیه‌ی یک فهرست جامع برای کمک به پژوهندگان این دوره است و سپاسگزار هر نوع کمکی خواهد بود که در راه رسیدن به این هدف دریافت دارد.

در خلال تألیف این اثر، که از برخی کتابخانه‌ها در درون و بیرون هند دیدار کرده و در آن‌ها کار کرده‌ام و فرصت یافته‌ام تا به تن خود به آن‌ها رجوع کنم، فهرست‌های - به صورت چاپی یا صورت‌های دیگر - دست‌نویس‌های کتابخانه‌های گوناگون جهان، مرجع اصلی من بوده است. از مجموعه‌های شخصی یا خصوصی نیز بهره جسته‌ام، و از این فرصت بهره می‌جویم تا تشکر و امتنان خود را از کتابداران مختلف، مؤلفان دانشور فهرست‌های گوناگون، و کسانی که با لطف و بزرگواری بسیار اجازه‌ی دسترسی به مجموعه‌ی شخصی‌شان را به من دادند اعلام دارم. چون آوردن فهرست بلندبالای نام همه‌ی این کسان دشوار است به ذکر نام‌های گزیده‌ای از این گروه‌ها، برای کمک‌های ارزشمند ویژه‌ی آن‌ها، بسنده می‌کنم.

در گروه اول، می‌خواهم از آقای پیرسن^۱، کتابدار مدرسه‌ی مطالعات شرقی و افریقایی لندن، برای تسهیلاتی که در ۱۹۵۳ م، وقتی که در کتابخانه‌ی او کار می‌کردم، با بزرگواری فراوان برایم فراهم آورد، سپاسگزاری نمایم. در گروه دوم باید مراتب امتنان قلبی خود را از آقای استوری^۲ و آقای ایوانف^۳ بیان دارم. نگاشته‌های فارسی، بررسی زندگینامه‌ای - کتابشناختی^۴ از استوری و فهرست‌های ارزشمند ایوانف نه تنها اطلاعات فراوانی برای کتاب حاضر به من دادند، بلکه ایده‌هایی در زمینه‌ی صفحه‌آرایی و طرح کلی کتاب نیز در اختیارم نهادند. در گروه سوم، باید یاد شادروان ویساجی دی‌بی، تاراپوروالا^۵ را گرامی بدارم. دعوت او از من برای تهیه‌ی فهرستی از مجموعه‌ی خصوصی او، سرآغازی شد برای نگارش اثر حاضر، و از این رو، نبود او در پایان این کار برایم سخت اندوهبار است.

همچنین مدیون پروفیسور ندوی^۶، پژوهشگر قدیمی، دکتر مؤمن^۷، مدرّس بخش فارسی دانشگاه بمبئی،

1. J. D. Pearson.
2. C. A. Storey.
3. W. Ivanow.
4. *The Persian Literature, a Bio-Bibliographical Survey.*
5. Vicaji D. B. Taraporewala.
6. N. A. Nadvi.
7. M. I. Momin.

و پروفیسور شیخ^۱، رئیس بخش فارسی در K. C. College، بمبئی، برای پیشنهادهایشان در ضمن مراجعات گاه به گاهی آنان به این اثر، در زمانی که هنوز در دست تألیف بود، هستم. همچنین سپاس و قدردانی‌ام نثار آقای اندرسن^۲، استادیار بخش کتابداری و معاون کتابدار (کتابخانه) دانشگاه بمبئی، و خانم سردسای^۳، از همکاران این کتابخانه، باد. آقای اندرسن مرا متوجه بسیاری مراجع کرد که در غیر این صورت ممکن بود متوجه آنها نشوم. خانم سردسای هم، با صرف اوقات فراغت خود، کمک ارزشمندی به من در نمایه‌سازی داد.

سرانجام، و البته نه در پایین‌ترین مرتبه، باید از دانشگاه بمبئی تشکر کنم که کتابخانه‌ی ارزشمند خود را برای زمانی کافی در اختیارم نهاد. این امتیاز، کار تألیف این اثر را بسیار آسان کرد و از این رو، شایسته است که جلد حاضر را به دانشگاه پیشکش نمایم.

دی. ان. مارشال

گروه علوم کتابداری،

کتابخانه‌ی دانشگاه،

بمبئی، اول ژانویه ۱۹۶۷م

-
1. A. G. Shaikh.
 2. B. Anderson.
 3. M. A. Sardesai.

این اثر نخستین بار در ۱۹۶۷م به چاپ رسید، اما ظرف چند ماه نسخه‌های آن نایاب شد. تلاش‌هایی که برای تجدید چاپ یا روزآمد کردن این اثر، به منظور پاسخ به درخواست‌های متقاضیان آن، انجام گرفته است تاکنون به بار ننشسته است. سرانجام اکنون، به همت انتشارات مانسل (Mansell)، چاپ عکسی از چاپ نخست کتاب انتشار می‌یابد. اما پیشنهاد شده است که مدخل‌هایی را که از چاپ نخست کتاب تا به امروز گردآورده‌ام و باید به متن اصلی کتاب بیافزایم در ذیل یا تکمله‌ای جداگانه بر چاپ کنونی به چاپ برسد؛ با وجود این، چون این کار زمان می‌برد، درست آن است که چاپ کنونی بیدرنگ انتشار یابد تا به تقاضاهای موجود پاسخ دهد.

چون چاپ کنونی در واقع تجدید چاپی است از چاپ نخست (بی هیچ تغییری)، نیازی به توضیحات تازه نیست. تنها باید این مطلب را تکرار کنم که از هرگونه پیشنهادی که به سودمندی کتاب بیافزاید به دیده‌ی امتنان استقبال می‌شود.

دارا نوسروانجی مارشال

گروه کتابداری

دانشگاه بمبئی

بمبئی ۳۲ - هند



در ۱۹۲۹م، در پی دریافت بورس پژوهشی سِزِ پی. ام. میهتا (Sir P.M. Mehta)، طرحی پژوهشی در زمینه‌ی تاریخ تیموریان هند را بر عهده گرفتم. به عنوان پیش‌نیاز آن کار، تألیف و تدوین کتابشناسی منابع لازم برای پژوهش آن دوره ضرورت یافت و از آن هنگام تاکنون به این کار مشغول بوده‌ام. در ۱۹۶۷م، یک جلد از این کتابشناسی را، که تنها آثار دست‌نویس یا غیر چاپی را دربردارد، به همت انتشارات آسیا (Asia Publishing House) به چاپ رسانیدم که نسخه‌های این چاپ در مدت کوتاهی نایاب شد. در ۱۹۸۵م انتشارات مانسل - شعبه‌ای از شرکت ویلسن (H. W. Wilson Co.) در لندن و نیویورک - چاپ دومی از این جلد را در لندن منتشر کرد. کتاب حاضر (جلد افزوده‌ها) حاصل کوششی است بر روزآمد کردن جلد نخست، و ذیل یا تکمله‌ای بر آن به شمار می‌آید.

گستره و محتوای کتاب حاضر را در پیش‌گفتارِ جلد نخست، که برای سهولت ارجاع در کتاب حاضر نیز آمده است، به تفصیل شرح داده‌ام. از این فرصت استفاده می‌کنم تا بار دیگر از کسان و نهادهایی که اجازه‌ی دسترسی به مجموعه‌های خود را از سر لطف به من دادند و کارم را تسهیل کردند، تشکر کنم.

دی. ان. مارشال

بمبئی



این اثر بخش نخست تکمله یا ذیلی است بر کتاب پر آوازی مؤلف، مغولان در هند، بررسی کتابشناختی دست‌نویس‌ها، گوشیده‌ایم تا در این اثر فهرستی تا حد امکان جامع از منابع لازم برای مطالعه‌ی هند در دوره‌ی مغولان (تیموریان) به دست دهیم. منابع مذکور در این اثر به زبان‌های گوناگون و در وجوه گوناگون زیست بشری - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره - است. هیچ‌زبانی را کنار ننهاده‌ایم و هیچ‌وجهی را نادیده نگرفتیم. هدف آن بوده است که این پژوهش تا حد امکان جامع و کامل باشد و همه‌ی آثار مربوط را، حتی آثاری که ارتباط غیر مستقیمی با موضوع دارند و یا به گونه‌ای بر زندگی و روزگار مورد بحث روشنی می‌افکنند، بیاوریم.

دارا نوسروانجی مارشال استاد و سرپرست بخش کتابداری دانشگاه بمبئی و کتابدار کتابخانه‌ی این دانشگاه بود و در ۱۹۷۱م بازنشسته شد. مغولان در هند، بررسی کتابشناختی دست‌نویس‌ها از او منتشر شده است.
